**نگرشی به کار زنان (با استفاده از تحقیق «بررسی اقتصادی - اجتماعی چند شغلی در بین کارکنان بخش آموزش»)**

**شامبیاتی، گیتی**

با استفاده از تحقیق«بررسی اقتصادی-اجتماعی‏ چند شغلی در بین کارکنان بخش آموزش» گیتی شامبیاتی

همکاری مشترک مجلهء کلک و آقای باقر پرهام در انجام تحقیق«بررسی اقتصادی- اجتماعی چند شغلی در بین کارکنان بخش آموزش»اگرچه درخور تقدیر است ولی نشان از غربت تحقیقات،بخصوص تحقیقات اجتماعی دارد.متأسفانه تحقیقات در ایران علاوه بر عوامل اقتصادی-اجتماعی بسیار،به علّت روح خودمحوری و خصوصیّت کم‏حوصلگی که در اکثر ما وجود دارد،هیچ‏گاه مورد توجه نبوده و در محدودهء همان امکانات موجود نیز،اگر تحقیقی‏ انجام گرفته نتایج آن را به ندرت مسئولی خوانده و به کار گرفته است.چه بسیار گزارش‏های‏ تحقیقاتی که در قفسهء کتابخانه‏ها خاک می‏خورد و در همان جلسات پی‏درپی جهت‏ سازماندهی و تأمین اعتبار همان تحقیق در همان سازمان در جریان است.

این وضع نابه‏سامان باعث شده است که،تصمیمات در نظام ادارهء کشور همواره بر اساس‏ محدودهء ذهنی افراد-آن هم تعدادی خاص-گرفته شود و این امری است که در طبیعت خود خطا را نهفته دارد.در بسیاری از مواقع این نحوهء تصمیم‏گیری،خود به وجود آورندهء مشکلاتی از قبیل نارضایتی عمومی،دوباره کاری،اتلاف وقت و هزینه است و گاه پی‏آمده‏های آن-بخصوص‏ در مسائل اجتماعی-می‏تواند جبران‏ناپذیر باشد.

در سالهای پس از انقلاب،محققان علوم اجتماعی هم که قادرند با بیان علمی خود نشانگر معضلات اجتماعی باشند،بیش از پیش به گوشهء عزلت خزیده‏اند.در نتیجه افراد غیر متخصص‏ -شاید هم از سر دلسوزی-قلم به دست گرفته به میدان آمده‏اند،و گاه به نظر می‏رسد حتی‏ برخی از مسؤلان را هم به اشتباه واداشته‏اند.

اما بررسی فوق که نتایج آن را در شمارهء 33 مجلهء کلک دیدیم،با وجود کوچکی ابعاد آن‏ اقدام جالبی است که می‏تواند آغازگر فعالیت‏های علمی گسترده‏تری در زمینهء استفاده از وسایل‏ ارتباط جمعی در تحقیقات اجتماعی باشد.

\*\*\* بعد از این مقدمه،نوشتهء حاضر با اجازهء آقای پرهام،نگرشی است از زاویه‏ای دیگر به‏ تحقیق ایشان،با تأکید بر«کار زنان»و مقایسهء آن با رفتارهای اجتماعی بسیار ابتدایی متناسب با این نگرش که هر روزه همهء ما با آن روبرو هستیم.

در آغاز باید به این نکته اشاره کنم که معمولا هرگاه در جامعه به نحوی جدّی سخن از مسائل زنان به میان می‏آید،اکثر مردان چنین می‏اندیشند که گوینده قصد دارد مزیتی را از آنان‏ گرفته و به زنان بدهد،یا اعتراضی به داشتن حقوق آنان دارد.به همین جهت برمی‏آشوبند و یا با واقعیت،از سر خشم و تمسخر روبرو می‏شوند.حتی بسیاری از زنان(بخصوص گروههای‏ چپگرا)نیز به جدا کردن مسائل زنان از مسائل مردان اعتراض دارند.در حالی که تمامی«اقلیتها» برای احقاق حقوق خود و تغییر تلقی اجتماع نسبت به خود و رسیدن به این مفهوم بسیار ساده که‏ انسانها با هم برابرند،ناچار به مقایسه بوده‏اند.زنان در اکثر نقاط دنیا با توجه به شرایطی که در آن‏ به سر می‏برند و حقوقی که دارند از نظر تعاریف جامعه‏شناسی بزرگترین«اقلیت»جهان محسوب‏ می‏شوند.

نتایج به دست آمده از تحقیق فوق در همین ابعاد کوچک و با اندکی تعمق بیشتر،شاید برای‏ آنان که امروزه به غلط زنان را از یک طرف موجودی شکننده،ضعیف،دارای خصوصیاتی رویائی‏ و گاه حتی عروسکی فرض کرده و از طرف دیگر انواع وظایف را برای او برمی‏شمرند و تمامی‏ فرضیات خود را در اجتماع و خانواده،در تبیین حقوق و حتی گسترده‏تر از آن در اهداف آموزش و پرورش کشور اعمال می‏کنند جالب باشد.

\*\*\* هدف از تحقیق«بررسی کار اضافی و چند شغلی در بین کارکنان بخش آموزش»که انتشار پرسشنامه و ارائهء گزارش نهائی آن از شمارهء 28 الی 33 مجلهء کلک طول کشید«در درجهء نخست‏ پی‏بردن به اهمیت مسأله چند شغلی در بین کارکنان بخش آموزش و فراهم شدن زمینه‏ای برای‏ طرح فرضیات جدید و بررسی عمیق‏تر این مسأله»عنوان شده است.محققین یادآوری نموده‏اند که به دلیل اندک شمار بودن نمونهء بررسی شده«این یک بررسی مقدماتی است که بیشتر طرح‏ مسأله می‏کند و می‏خواهد نظر مردم و مسؤلان کشور را به وجود مسأله‏ای جلب کند.»

روش نمونه‏گیری تحقیق،تصادفی و تعداد پرسشنامه‏های تکمیل شده 168 عدد بوده که از این تعداد 51 پرسشنامه توسط زنان و 117 پرسشنامه توسط مردان ساکن در نواحی تهران و کرج، اصفهان،فارس،آستارا و شهرهای اهواز،بوشهر و شوشتر پر شده‏اند.بیش از 95 درصد افراد بررسی شده در استخدام رسمی دولت بودند.آموزگاران دارای دیپلم یا فوق‏دیپلم،دبیران‏ فوق‏دیپلم به بالا(اکثریّت دارای مدرک لیسانس)و کادر هیئت علمی دانشگاه‏ها فوق‏لیسانس به‏ بالا را شامل می‏شدند.

بخش اصلی تحقیق در بررسی سه عنوان زیر خلاصه می‏شود که در این نوشته از دیدگاه‏ تازه‏ای به دو بخش نهائی آن می‏نگریم:

-کار موظف،کار اضافی و چند شغلی

-ساعات کار در هفته

-انگیزه‏ها و درآمدها

ساعات کار در هفته

میانگین کل ساعات کار در هفته در بررسی فوق برای آموزگاران،دبیران و استادان(اعم از هرگونه شغلی که دارند)به تفکیک زن و مرد به شریح زیر می‏باشد:

حال اگر روزهای کاری هفته را 6 روز فرض کنیم،متوسط ساعات کار روزانهء گروه‏های فوق‏ به شرح زیر خواهد بود:

در جدول بالا می‏بینیم هرچه سطح تحصیلات زنان بالاتر می‏رود،میزان تعادل نیروی کار بین زن و مرد،برای کسب درآمد خانوار،بیشتر می‏شود.در نتایج ارائه شده اختلاف میزان ساعات‏ کار در اکثر شهرها به جز تهران بین زنان و مردان بسیار کم و در برخی از نقاط مثل اصفهان نزدیک‏ به مساوی است.

در پرسشی توسط اینجانب از تعدادی خانمهای کارمند،این اطلاع به دست آمد که زنان‏ کارمند در یک خانوار دو نفری،بدون فرزند،بدون داشتن میهمان،به طور متوسط روزانه 3 ساعت و با داشتن دو فرزند،حدود 5 ساعت صرف امور منزل،خرید،آماده کردن دروس فرزندان‏ و کارهایی از این قبیل می‏کنند.این ساعات،فعالیتهای اضافی مربوط به میهمانان،بیماری‏ فرزندان،وظایف اجتماعی و کار خانه سنگین‏تر روزهای تعطیل را که در بیشتر مواقع جزء وظایف اصلی خانم خانه به شمار می‏رود در بر نمی‏گیرد.

اگر طبیعت فعالیت خانمها در خانه را،با توجه به تعاریف اقتصادی-اجتماعی،به عنوان‏ «کار»قبول داشته باشیم،با فرض متوسط 4 ساعت کار در خانه برای جامعهء زنان نمونه گرفته شده، جدول بالا به شکل زیر تغییر می‏یابد:

با توجه به ارقام فوق،میانگین کل ساعات واقعی کار در هفته در بین کارکنان بخش آموزش‏ می‏تواند به شکل زیر در نظر گرفته شود:

با توجه به اینکه ساعت کار قانونی در هفته 40 ساعت است،مقادیر فوق ساعات کار خالص یک زن کارمند متأهل بخش آموزش را نشان می‏دهد.در اینجا هر چند نباید از کمک و همیاری برخی آقایان در کار خانه در سالهای اخیر غافل بود،ولی به هر حال این میزان همیاری در مقابل آن تعداد انبوهی از مردان که به این مهم توجه ندارند قابل اعتنا نیست.

انگیزه‏ها و درآمدها

در بخش انگیزه‏ها و درآمدها،میانگین دریافتی کل ماهانه نمونهء مورد مطالعه(به ریال)به‏ قرار زیر است:

اگر بر اساس میانگین ساعت کار در هفتهء استخراج شده و در همان تحقیق،متوسط حقوق یک‏ ساعت کار زنان و مردان را محاسبه کنیم ارقامی به شرح زیر(به ریال)به دست می‏آید:

ارقام فوق نشان می‏دهد که هر چند ارزش ساعت کار زنان به خصوص در سطح دیپلم‏ پائین‏تر از مردان است-شاید به دلیل سابقهء کار کمتر که در بخش ویژگیهای کلی پاسخگویان به‏ آن اشاره شده-لیکن ارزش ساعت کار مردان نیز،با توجه به درآمد-هزینه،آن چنان بالا نیست‏ که برای زنان دست نیافتنی باشد،بخصوص اگر مانع طرز تلقی و برداشت‏های جامع را از کار زن-کار مرد در نظر داشته باشیم.

حال اگر در این محاسبه،کار زن در خانه را از نظر ارزش کار،یا به عبارت ساده‏تر پولی که در مقابل انجام کارهایی که توسط او انجام می‏گیرد و اگر نگیرد،باید از بودجه خانوار به نحوی‏ پرداخت شود(مثلا لباس به لباسشویی داده شود،برای بچه‏ها معلم سرخانه گرفته شود،غذای‏ آماده از بیرون خریداری شود و غیره...)در نظر بیاوریم،مقدار درآمد زن در برابر نیرویی که در طول روز مصرف می‏کند در مقایسه با یک مرد(به ریال)به شرح ارقام زیر تغییر می‏یابد:

نتیجه گیری

بحث در کیفیت آموزش و پرورش دختران را،که بر عهدهء چنین زنانی خسته گذاشته شده به، زمان دیگری موکول کرده و روند اقتصادی-اجتماعی تحقیق را دنبال می‏کنیم.

چنانکه ملاحظه می‏فرمایید،یک خانم کارمند لیسانسه بعد از 16 سال تحصیل و 5/10 ساعت کار در روز و 63 ساعت کار در هفته،فقط ساعتی 1375 ریال به دست می‏آورد.به علاوه، اگر همسر این زن کارمند باشد بسیاری از مزایای کارمندی را از دست می‏دهد(مثل عیدی کامل، بن خواربار برای فرزندان،وام مسکن و غیره...)اصولا زنان کارمند در اکثر ادارات و سازمان‏ها، در توزیع مزایا،شرکت در کنفرانس‏ها و سمینارها یا بهره‏مندی از دوره‏های آموزشی خارج از کشور،حتی زمانی که هزینه بر عهده کشور میزبان است به عنوان اولویت دوم محسوب‏ می‏شوند.از همه مهمتر اگر هدف از درس خواندن و کار کردن ایجاد شرایط مناسب زندگی برای‏ خود و خانواده باشد،در صورت بروز حادثه‏ای که به مرگ زن و مرد بیانجامد،فرزندان خانواده‏ تنها از یک حقوق پدر یا مادر بهره‏مند خواهند شد.

از نظر اجتماعی،زنی که کار می‏کند همواره تحت فشار درونی این طرز تلقی جامعه است‏ که به همسر،خانه و فرزندانش آنطور که باید نمی‏رسد،به همین جهت مدام در حالی که با آدمهای‏ ناراضی روبروست با کوششی مضاعف سعی می‏کند به افراد خانواده سرویس بیشتری بدهد.

کار مرد در خانواده باعث سروری و فخر اوست.به او اجازه می‏دهد مالکیت خود را بر تمام‏ آنچه دارد در جامعه فریاد کند و به آن ببالد،در مقابل کوچکترین حرکتی ناشی از عدم توجه به‏ نان‏آوری او یا امکانات و اشیایی که خریداری و تأمین کرده است فریاد بزند و به این ترتیب‏ پایه‏های ریاست خود را در خانواده به یاد اعضاء بیاورد.اما کار زن کارمند در جامعه ما نتیجه‏ای‏ جز ایجاد یک حس تحمیلی و نه حقیقی قصور از عدم انجام وظایف همسری و مادری همراه‏ ندارد.زن کارمند هر چند تمامی درآمدش صرف خانواده می‏شود،ولی سخن گفتن از آن و آنچه از این طریق به دست آمده و یا انجام گرفته زشت و نارواست.جامعه حتی پذیرای آن نیست که‏ چنین زنی از موفقیتهای شغلی و اتفاقات کاری خود در خانواده و جمع سخن بگوید و یکسره‏ همه را به عنوان عاملی برای تحقیر همسرش به حساب می‏آورد.

خلاصه کلام آنکه در چنین شرایطی،زنان تحصیلکرده و مستقل ایران به شعارهای‏ غیرواقعی رایج،به دیده تمسخر می‏نگرند و از مسؤلان فرهنگی جامعه انتظار دارند کوششی‏ واقعی در جهت شناخت مسائل آنان و نحوه رفتار با آنان به عمل آورند.آنان توصیف دیگری از خود را،مبتنی بر واقعیت‏ها،عدالت و برابری طلب می‏کنند که بخش اعظم آن وابسته به تغییر نگرش جامعه مردسالار ماست.